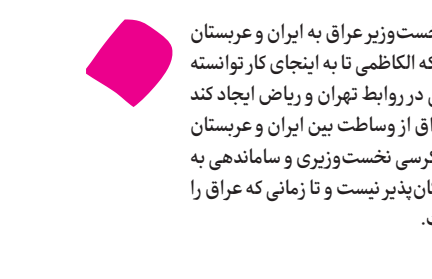




احیای برجام، کاتالیزور احیای روابط ایران و عربستان

## از تهران – ریاض تا تهران – قاهره!



سیاسی و دیپلماتیک دیگری نمی‌تواند پیرامون احیای روابط ایران و عربستان سعودی نقشی جدی ایفا کند، خاصه آنکه ریاض و محمدين سلمان از مخالفان جدی احیای برجام به شمار می‌روند؛ ازاین‌رو ولیعهد سعوی از قبیل احیای روابط با تهران به دنبال تاثیرگذاری بر احیای برجام خواهد بود. به این معنا که ریاض با مدیریت تهران سعی دارد در لویای نشست بغداد برای برقرار مجدد روابط با ایران به نوعی مذاکرات هسته‌ای را در جهت منافع خود تحت‌الشعاع قرار دهد.

با این تفاسیر چنین به نظر می‌رسد که ذیل نگاه رادیکال سعودی‌ها درخصوص احیای برجام باید احیای روابط با ایران در سنایه نشست بغداد را صرفا یک بازی سیاسی برای مدیریت تهران در نظر گرفت. این مهم زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که

مهم‌ترین چالش فراروی چنین میانجیگری‌های منطقه‌ای با محوریت عراق این است که هم‌اکنون تنش میان عربستان و ایران در دوره بایدن به نوعی به تابع تنش‌ی بزرگ‌تر میان آمریکا و ایران تبدیل شده و کشایش در آن هم بسته به کشایش در این تنش بزرگ است که آن هم فعلا متصور نیست. همان‌گونه که کارنده در نوشتار پیشین خود برای روزنامه «شرق» بیان کرده بود که دیپلماسی منطقه‌ای و تلاش دولت رئیسی برای ارتقای روابط با همسایگان به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس و بازیگری کلیدی مانند عربستان سعودی منوط به تعیین تکلیف مذاکرات برجامی، احیای توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌هاست. از این منظر تا زمانی که مذاکرات هسته‌ای به نتیجه نرسد، نه عراق و شخص مصطفی الکاظمی و نه هیچ کشور و شخصیت

به دنبال نکات مذکور آن‌گونه که شواهد امر گواهی می‌دهد نخست‌وزیر کنونی عراق در موقعیت نسبتا بهتری نسبت به عبدالمهدی (نخست‌وزیر سابق) برای میانجیگری قرار دارد و دلیل آن هم نگاه مثبتی است که ریاض به وی دارد و او را در موقعیتی نسبتا بی‌طرف می‌داند. بااین‌حال نمی‌توان به احیای کامل و قوری روابط دو کشور چندان امیدوار بود، چراکه عوامل متعددی در این زمینه مؤثرند.

واقعیت این است که با وجود اهمیت دو فاکتور پیش گفته؛ یعنی نگاه مثبت عربستان به الکاظمی و برخورداری او از انگیزه لازم برای وساطت، ولی موفقیت در این پرونده فاکتورهای مهم‌تر دیگری را می‌طلبید که در شرایط کنونی فراهم نیست. از این جهت زیاد نمی‌توان به ثمربخش‌بودن این وساطت خوش بین بود.

روابط ایران و عربستان سعودی کره خورده است؛ بنابراین تا زمانی که نشست بغداد و مذاکرات برای برقراری مجدد روابط دو طرف (ایران و عربستان) به نتیجه ملموسی نرسد، بی‌شک نمی‌توان پیگیری گفت‌وگوهای دیپلماتیک درخصوص احیای روابط ایران و مصر را ثمربخش دانست، خاصه آنکه قاهره به‌عنوان یکی از بازیگران همسو با ریاض هیچ‌گاه نمی‌تواند بدون چراغ سبز عربستان رویه‌ای مستقلا را در حوزه دیپلماتیک برای برقراری روابط با ایران اتخاذ کند. مجموعه نکات فوق این مهم را یادآور می‌شود که اگرچه پیگیری دیپلماسی منطقه‌ای و احیای روابط با ریاض، قاهره و کشورهای کلیدی منطقه و جهان فی‌نفسه امری مثبت تلقی می‌شود، اما برای رسیدن به مطلوب‌ترین نتیجه در این حوزه باید دیپلماسی برجامی را به نتیجه رساند، زیرا احیای برجام و لغو تحریم‌ها شرايطی را رقم خواهد زد که به موازات تقویت جدی توان چانه‌زنی دیپلماتیک جمهوری اسلامی، عملا به موتور محرکه دیپلماسی منطقه‌ای بدل خواهد شد، چون به‌واسطه احیای برجام، موضع ایران در نشست بغداد برای احیای روابط با عربستان یا نشست‌های مشابه برای برقراری روابط با مصر و... موضعی از سر قدرت خواهد بود.

در چنین شرايطی سناریوهای مدنظر ریاض برای مدیریت تهران عملا به بن‌بست کشیده خواهد شد، چراکه با احیای برجام، عربستان نه توان دخالت مستقیم و غیرمستقیم در پرونده هسته‌ای را خواهد داشت و نه می‌تواند خواسته‌هایش در حوزه توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را پیش ببرد. به هر حال باید پذیرفت احیای برجام یعنی رفع نگرانی جامعه جهانی درخصوص فعالیت‌های ایران؛ بنابراین ریاض، تل‌آویو و... دیگر مجالی برای ایران‌هراسی نخواهند داشت. از این رهیافت احیای برجام کاتالیزور احیای روابط ایران – عربستان، ایران – مصر و... خواهد بود. ناگفته نماند که برخی هم معتقدند این سسکه روی دیگری هم دارد به این معنا که پیش‌نیاز احیای برجام و مذاکره با واشنگتن به حل اختلافات با ریاض بازمی‌گردد. به دیگر کلام تا زمانی که تنش فعلی در مناسبات ایران و عربستان به قوت خود باقی باشد و در ادامه با نقش‌آفرینی مخرب اسرائیل عمق بیشتری پیدا کند، ریاض کمافی‌السابق با نقشی که در این سال‌ها ایفا کرده است به دنبال مانع‌تراشی، بهانه‌جویی و کارشکنی در مذاکرات خواهد بود و در کنار آن می‌تواند مشکلات و چالش‌های عدیده سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک و اقتصادی برای تهران با تطمیع دیگر کشورها در کاهش روابط با ما ایجاد کند. پس بی‌شک جا دارد ایران به‌فورتیت کاهش تنش با عربستان سعودی را در دستور کار خود قرار دهد.

برای نتیجه کلی به بخشی از نوشته پیشین خود در «شرق» بازمی‌گردم که تاکید داشتم به دلیل آنکه هرکدام از دو بُعد دیپلماسی منطقه‌ای و دیپلماسی برجامی به همدیگر وابسته‌اند، باید نوعی هوشمندندی، ظرافت و دقت عمل را برای توازن‌بخشی این دو در حوزه سیاست خارجی به کار بست تا بتوان به‌صورت هم‌زمان این دو شق دیپلماسی را پی گرفت. از این منظر وزن‌دهی بیش از حد به هرکدام نهایتا فشل‌شدن دیگری را به همراه خواهد داشت و منافع ملی بر زمین خواهد ماند.

### کنشگری فعالانه، گفتگوی آگاهانه برای نجات ایران

## شانزدهمین گنگره

### سازمان عدالت و آزادی ایران اسلامی

### ۱۷ تیرماه ۱۴۰۱ – اصفهان



آیا ایران و جمهوری آذربایجان به واقع از مرحله «سوء تفاهم‌ها» عبور کرده‌اند؟

### سفر به تهران – نگاه به آنکارا

شرق؛ دیروز دوشنبه در حالی تهران میزبان جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان بود که این کشور خود را برای رزمایش مشترک سه‌جانبه با ترکیه و گرجستان تحت عنوان «جاودانگی ۲۰۲۲» در اکتبر سال جاری (۱۷ تا ۲۸ اکتبر) آماده می‌کند. به موازات آن در اوایل هفته جاری نیز اخباری دال بر برگزاری رزمایش مشترک باکو – آنکارا منتشر شد که نشان می‌دهد الهام علی‌اف برای رفع نگرانی احتمالی تهران درخصوص برگزاری بی‌دریسی این رزمایش‌ها با هدف امنیتی‌کردن منطقه قره‌باغ و قفقاز جنوبی پس از جنگ ۴۴روزه پاییز سال ۲۰۲۰ و پیگیری دیپلماسی متوازن سعی در اعزام وزیر امور خارجه‌اش به تهران را داشته است. با توجه به همین نکته حسین امیرعبداللهیان با درک درست از شرایط در نشست مطبوعاتی دیروز خود با همتای آذربایجانی‌اش از گفت‌وگوهای سه‌جانبه وزيران امور خارجه ایران، جمهوری آذربایجان و ترکیه به میزبانی تهران در آینده‌ای نزدیک خبر داد. همچنین رئیس دستگاه دیپلماسی کشور در این نشست مطبوعاتی به اجلاس ۳+۳ هم اشاره کرد؛ اجلاسی که به نظر امیرعبداللهیان اکنون در سطح کارشناسان ارشد کشورهای عضو در ایران برگزار می‌شود و در گام بعدی نشست وزیران امور خارجه این فرمت (۲+۳) با حضور وزیران امور خارجه ایران، جمهوری آذربایجان، گرجستان، روسیه، ارمنستان و ترکیه برگزار خواهد شد. این اشارات سکندار سیاست خارجی ایران به‌خوبی مؤید آن است که تهران به رفتارهای جمهوری آذربایجان با مدیریت ترکیه واقف است؛ بنابراین به سمت دیپلماسی فعال در حوزه قفقاز جنوبی با کمک دیگر کشورهای هم‌جوار رفته تا مانع از تحقق هدف غایی باکو – آنکارا درخصوص تغییر ژئوپلیتیک این منطقه (قفقاز جنوبی) در کنار مرزهای ایران شود. به هر حال تروینکای آنکارا- باکو – تفلیس پس از جنگ دوم قره‌باغ عملا درصدد حصر ژئوپلیتیک منطقه‌ای جمهوری ارمنستان هستند که در حقیقت انزوا و قطع دسترسی ایران به اروپا را شکل می‌دهد؛ بنابراین تهران علاوه بر پیگیری نشست‌ها در فرمت ۳+۳، به هر نحوی سعی دارد تعاملات دوجانبه با باکو را به سمتی بکشاند که تغییرات ژئوپلیتیکی مدنظر جمهوری آذربایجان و به‌خصوص ترکیه، عملا محل و فضایی برای بروز و ظهور پیدا نکند. با همین نگاه تاکید بر موضوعاتی مانند افزایش حجم تبادلات بین دو کشور، انتقال انرژی، تقویت و بهسازی حوزه ترانزیت کالا و خدمات، صادرات نیرو، بهره‌برداری از پروژه‌های مشترک نظیر سدهای خاخالرین و همچنین قیز قلعه‌سی، همکاری درباره مسائل زیست‌محیطی از جمله موضوع ارس، کمک به بالابردن سطح رفت‌وآمد تجار، بازرگانان، دانشجویان و توریست‌های دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان و مسائلی از این دست از سوی جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفته است. کم‌اینکه تک‌تک این نکات دیروز دوشنبه در دیدار حسین امیرعبداللهیان و جیحون بایراموف مطرح شد تا در سایه پررنگ‌شدن مناسبات دو کشور، ایران از کسل

**ادامه از صفحه اول**

### آقای رئیسی فرمان مذاکرات را به دست بگیرد

گام اول در خروج از وضعیت کنونی، تفاهم داخلی در ضرورت خروج از بن‌بست

کنونی و احیای برجام است. باید ببینیم که بن‌بست مذاکرات احیای برجام به نحو محسوس‌ی به زبان ایران است. موضوعی که ظاهرا نظر مسئولان کشور نیز بر آن است و براساس اطلاعات مسورد وثوق تصمیم نظام بر «توافق» است. در اینکه چه عامل یا عواملی در آخرین لحظه مانع عبور از این پل می‌شود گمانه‌زنی‌هایی مطرح است. جناحی خاص در داخل برجام را «خسارت محض» می‌داند، روسیه احیای برجام را تا زمانی که از بحران اوکراین بیرون نیامده، به صلاح منافع خود نمی‌داند، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه مخالف عادی‌شدن روابط ایران با جهان هستند و احیای برجام را گامی بزرگ در جهت حضور قدرتمندانه ایران در منطقه و جهان ارزیابی می‌کنند. از یاد نبریم در صورت احیای برجام، وفق قطع‌نامه ۲۲۳۱ در سال ۲۰۲۵ برنامه هسته‌ای ایران از

دستور کار شورای امنیت سازمان ملل خارج خواهد شد. شش قطع‌نامه شورای امنیت

که به دلیل قطع‌نامه ۲۲۳۱ به حالت تعلیق درآمده، لغو خواهد شد. تصور می‌کنم همین مخالفت‌ها برای اتخاذ تصمیم سیاسی به‌منظور عبور از موانع احیای برجام کفایت می‌کند. مشکل در «تصدی مسئولیت» در سطحی است که بتواند بر مخالفت‌ها غلبه کرده و در هماهنگی با رهبری هرچه سریع‌تر مذاکرات را به ایستگاه پایانی برساند. پیشنهاد مشخص نگارنده، حضور فعال جناب رئیسی یا استفاده از جایگاه حقوقی به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی و به‌دست‌گرفتن فرمان مذاکرات هسته‌ای است. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، عناصر داخلی و خارجی مخالف برجام، صحنه‌گردان مذاکرات و از دست‌رفتن فرصت‌های تکرار‌نشدنی، خسارت به کشور و درآمدهای نجومی برای کاسیان تحریم خواهد بود.